

درس هفتم:

درس هفتم:

دگر گونه بینیم و گونه گون بنویسیم

کتابهای دگر گونه، چون به عنوان یک متن ادبی، به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس سبک، محتوا و روش نگارش انجام می‌گیرد. در این بخش، ما به بررسی انواع مختلف دگر گونه‌ها می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا بتوانیم این متن‌ها را به درستی درک و تحلیل کنیم.

یکی از انواع مهم دگر گونه، داستان کوتاه است. داستان کوتاه، یک متن ادبی است که در یک فضای محدود، یک روایت را بیان می‌کند. این نوع از دگر گونه، به دلیل سادگی و جذابیت، یکی از محبوب‌ترین انواع دگر گونه‌هاست. در این بخش، ما به بررسی انواع مختلف داستان کوتاه می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا بتوانیم این متن‌ها را به درستی درک و تحلیل کنیم.

علاوه بر داستان کوتاه، انواع دیگری از دگر گونه نیز وجود دارد. از جمله: نمایشنامه، شعر، رمان و غیره. هر یک از این انواع، ویژگی‌های خاص خود را دارد و به روش‌های مختلف نگارش می‌شود. در این بخش، ما به بررسی این انواع مختلف دگر گونه می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا بتوانیم این متن‌ها را به درستی درک و تحلیل کنیم.

در نهایت، باید به این نکته توجه داشت که دگر گونه، یک متن ادبی است که به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس سبک، محتوا و روش نگارش انجام می‌گیرد. در این بخش، ما به بررسی انواع مختلف دگر گونه می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا بتوانیم این متن‌ها را به درستی درک و تحلیل کنیم.

« بعضی از کتاب ها ساده لباس می پوشند و رنگارنگ دارند بعضی از کتاب ها برای ما قفسه می گیرند تا بخوابیم و بعضی قصه می گویند تا بیدار شویم بعضی از کتاب ها خواب را می گزینند بعضی از کتاب ها خنده را می گزینند بعضی از کتاب ها غم را می گزینند »

های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند بعضی از کتاب ها برای ما قصه می گویند تا بخوابیم و بعضی قصه می گویند تا یاد بگیریم بعضی از کتاب ها اگر اول می خوانیم به درد نمی خورد اما بعد از آنکه چند بار بیشتر بخوانیم به درد می آید.

شونه
همین طور
همین سیاه که
عین کله جافه که
بهنگونه سونگی ایچله قره
دی لری که رهن نسبت به شناخت
دیک موعه نشسته سونگه لری
هلو که کرده ای گوناگون یکدیله اراضه
ششس و کمی نقل می تولید
میوسیم
از رساله تالیف میوسیم

ہنگی رائس جھیم

بش به کار می گیرند و قاع

تاکسون فایده گل ربرای

قلمش و حکیم پر یاد
.....: ۳۰۶

طریقیہ
لہذا

100

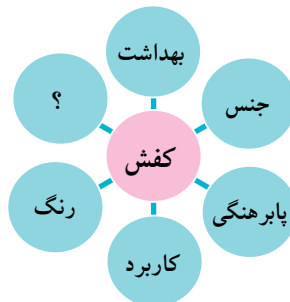


دگر گونه بینیم و گونه گون بنویسیم

هریک از من و شما در جاهای مختلف که قرار می‌گیریم، ممکن است نقش‌ها و وظیفه‌های متفاوتی داشته باشیم؛ مثلاً وقتی در خانه هستیم؛ فرزندی از اعضای آن خانواده به‌شمار می‌آییم و در آنجا وظایفی داریم. اکنون که در مدرسه و کلاس هستیم، نقش و تکلیف دیگری داریم. اگر در محله و کوچه خود باشیم؛ در آنجا هم وظیفه دیگری داریم و همین‌طور در جاهای مختلف، خواهیم دید که نقش و وظیفه جدیدی خواهیم داشت. به همین سبب اگر بخواهیم چیزی درباره خود بنویسیم و خودمان را به کسی معرفی کنیم، بسته به اینکه از کجا آغاز کنیم، نوشته و نوع معرفی ما متفاوت خواهد بود.

یکی دیگر از راه‌های توانمندسازی ذهن و زبان هنگام نویسندگی، ایجاد فرصت بیشتر برای فکر کردن است. اندیشیدن درباره یک چیز، راه‌های فراوانی را در ذهن، نسبت به شناخت بهتر آن، پدید می‌آورد. وقتی زمان کافی برای اندیشیدن درباره یک موضوع داشته باشیم و از دیدگاه‌ها و دریچه‌های مختلف به یک موضوع، نگاه کنیم، جنبه‌ها و کارکردهای گوناگون یک پدیده را در نظر می‌گیریم. مثلاً اگر موضوع نوشتن ما «کفش» باشد، پس از کمی تأمل، می‌توانیم:

- فایده‌های بهداشتی کفش را بنویسیم.
- درباره جنس کفش و تأثیر آن در سلامت پا بنویسیم.
- اگر کفش نبود، رنج پابرهنگی را شرح دهیم.
- و ...



حال اگر بخواهیم درباره «گل» چیزی بنویسیم، از زاویه‌های متفاوت می‌توانیم به آن نگاه کنیم و هر بار، مطالب تازه‌ای بنویسیم. مثلاً در نوشته زیر، نویسنده «گل» را از نگاه شاعران،

دانشمندان، طبیبان، صنعتگران و قالی‌بافان، و حتی از چشم عقل دیده و نوشته است:



« بعید است در عالم طبیعت، چیزی زیباتر و خوب تر از گل وجود داشته باشد...شاعران در گل هزاران مضمون نغز و معنای لطیف یافته‌اند و برای آن مضامین هزاران بیت زیبا سروده‌اند. لاله‌سرخ رنگی که در بهاران دل خاک تیره را می‌شکافد و مانند آتشی زبانه می‌کشد، ما را به یاد شهیدان می‌اندازد که پردهٔ سیاه ظلم را با خون سرخ خویش شکافته‌اند. دانشمندان نیز از گل هزاران قاعده و قانون علمی شناخته‌اند. آنان از گل، یک جهان دانش آموخته‌اند و دریافته‌اند که گل، تنها یک نقاشی رنگارنگ نیست!

طبیبان به صورت‌های مختلف، داروی دردهای گوناگون را در گل، جُسته‌اند و یافته‌اند. از نظر آنان هر گلی، داروی دردی را در خود دارد. گل عطاری است که به شیوهٔ عطاران قدیم، هم عطرفروش است و هم دارو فروش!

صنعتگران نیز از گل، سودها می‌برند؛ رنگرزان رنگ‌های لطیف و پرمایهٔ گل را در صنعت خویش به کار می‌گیرند و قالی‌بافان با الهام از شکل‌ها و ترکیب‌های گل، طرح‌های دلپسند بسیاری در می‌افکنند. گلاب‌گیران نیز رونق بازارشان از برکت بوی دل‌انگیز گل است.

تاکنون فایدهٔ گل را برای شاعران و عالمان و طبیبان و صنعتگران برشمرده‌ایم. اکنون هنگام آن است که بپرسیم عقل از گل چه سودی می‌برد؟

اگر گل و گلزار را با چشم عقل تماشا کنیم، جز حکمت و تدبیر، چیزی نمی‌بینیم. به‌راستی آن هنرمند نقّاش و حکیم ریاضیدان که مهندسی گل را برعهده داشته، کیست؟

آن کیست که در گل این همه زیبایی و لطف و خاصیت را قرار داده است؟

آن کیست که گُل را از گِل، بیرون کشیده و از خاک تیره و خشن، محصولی این چنین رنگین و لطیف و معطر پدیدآورده است؟

گل، قطره‌ای از دریای بیکرانهٔ جلال و جمال الهی است که گویی از آسمان به زمین، چکیده است.»

(غلامعلی حدّاد عادل، فارسی و آیین نگارش، سال اوّل دبیرستان، ۱۳۶۶)

♦ متن زیر را بخوانید و تفاوت نگاه دو شخصیت (پدر و پسر) را توضیح دهید.

یک بار پدر بسیار ثروتمندی پسرش را به روستایی برد تا او را با شیوه زندگی افراد آنجا آشنا سازد. آنان دو شبانه روز در مزرعه خانواده تهیدست و فقیری به سر بردند.

در راه برگشت، پدر از پسر پرسید: سفر چگونه بود؟

● پسر گفت: عالی بود؛ پدر.

● پدر گفت: زندگی مردم فقیر را دیدی؟

● پسر گفت: آری، پدر عزیزم.

● پدر پرسید: از آنان، چه آموختی؟

● پسر گفت: ما گوسفند نداریم؛ ولی آنان چند گوسفند دارند. حوض خانه ما تا وسط باغ کشیده شده؛ اما رودخانه آنان بی پایان است. سراسر باغ ما را چراغ‌ها روشن می‌کنند، ولی شب‌های آنان را ستاره‌ها روشن می‌کنند. ما قطعه زمین کوچکی برای زندگی داریم، ولی کشتزار آنان بسیار گسترده است. ما تمام غذایمان را می‌خریم؛ آنان بیشتر نیازهای غذایی را خودشان پرورش می‌دهند...

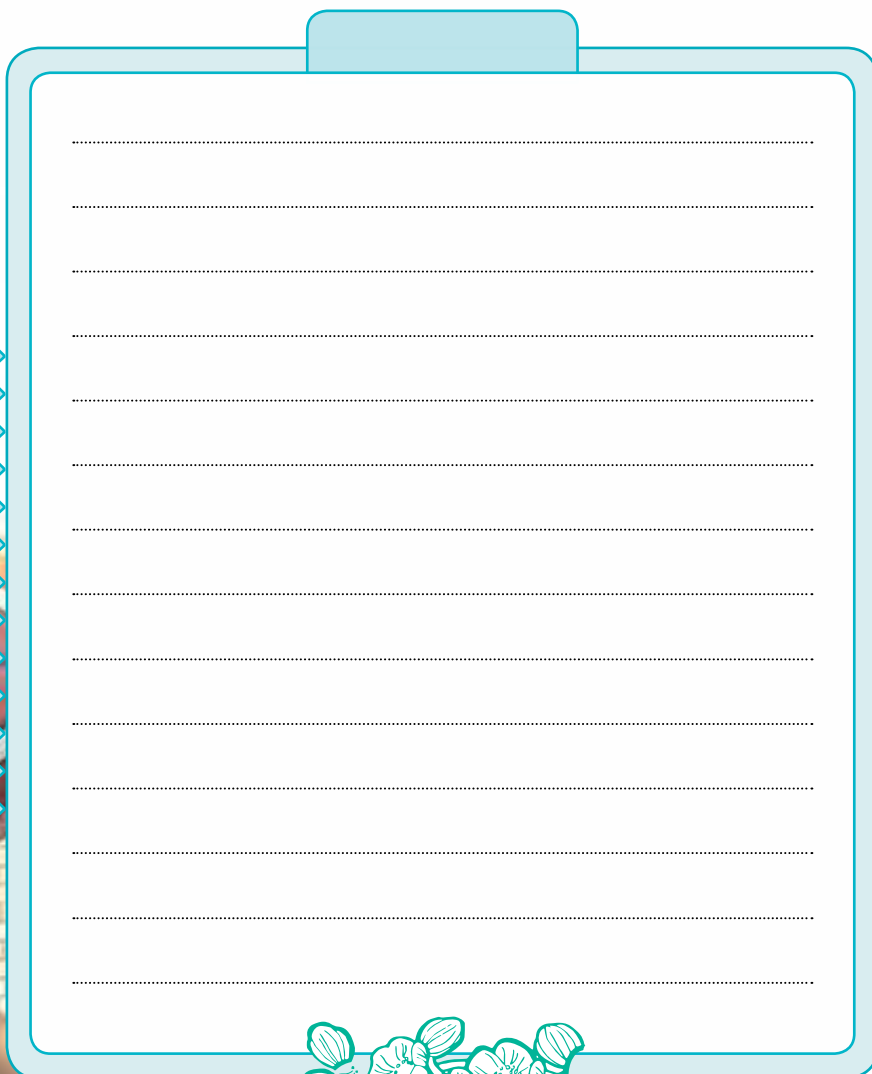
با شنیدن حرف‌های فرزند، پدر سرش را به زیر انداخت و خاموش شد.

پسر افزود: پدر جان! از شما سپاسگزارم که به من نشان دادی، ما چقدر فقیریم.

(دبوا استیت، مترجم: الهام مؤدب، با تغییر و بازنویسی)

◆◆ در مورد نقش‌های خود فکر کنید و یک انشا درباره آن بنویسید. نقش‌های شما احتمالاً به شرح زیر است:

- ◆ دانش‌آموز
- ◆ دوست
- ◆ هم‌کلاسی
- ◆ عضو تیم ورزشی
- ◆ فرزند خانواده
- ◆ خواهر یا برادر
- ◆ دایی یا خاله
- ◆ عمو یا عمه



♦♦♦ یکی از نوشته‌های تمرین قبل را براساس معیارهای زیر، ارزیابی کنید.

معیارهای ارزیابی :

- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (نوشتن بند مقدمه، نوشتن بندهای بدنه و بند نتیجه)
- ♦ نگاه تازه و دگر گونه به موضوع
- ♦ پروراندن موضوع
- ♦ پاکیزه‌نویسی
- ♦ رعایت علائم نگارشی
- ♦ درست نویسی
- ♦ نداشتن غلط املائی
- ♦ خوش خط بودن

نتیجۀ بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....





درست نویسی

- ♦ آرش، تیری بیفکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بیفراشت.
- ♦ آرش، تیری بافکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بافراشت.

شیوه نوشتاری جمله اول، درست است. زیرا در نوشتار معیار امروز، هرگاه حرف های «ب، ن، م» بر سر فعل هایی قرار بگیرند که با نشانه همزه «ا» آغاز شده باشند، هنگام نوشتار، حرف «ی» جانشین همزه می شود.

مانند: انداز ← بینداز، انگیخت ← بینگیخت، افروخت ← بیفروخت.

♦ جمله های زیر را ویرایش کنید:

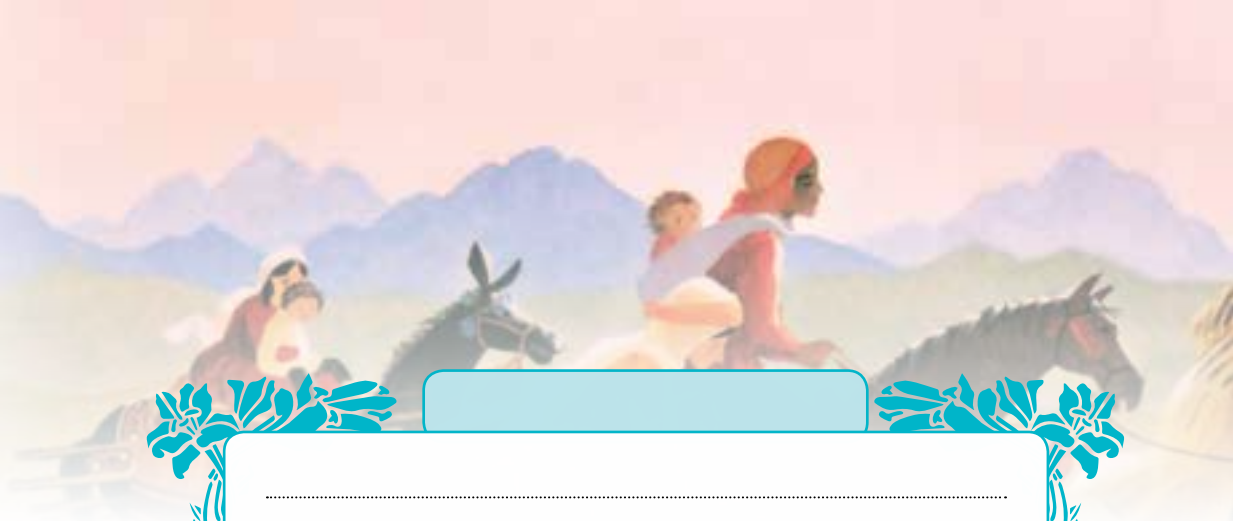
- ♦ با تلاش فراوان می توانستند، علوم بسیاری باندوزند.

- ♦ هرگز، فرصت امروزت را به فردا، مافکن.



◆ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آن‌ها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آن‌ها باید تشخیص دهند؛ هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.





A light blue rectangular box with rounded corners, intended for a title or heading.

A large rectangular area with horizontal dotted lines for writing, framed by a teal border.



